

چرا ما بعنوان طلبه، از مسیر تحصیلی و آینده خود بی خبریم؟

ما انسان ها عاشق این هستیم که از دیگران ایراد بگیریم. همواره در زندگی مان، همچون راداری قوی و با بروزترین و مدرن ترین امکانات جهانی، اطراف را مشاهده می کنیم و بدنبال مسائل مختلف- چه سطحی و چه تخصصی- می گردیم تا ایرادی از آن کشف کرده و کیان آن را به قهقرا بکشانیم؛ گویی که دیگر آن چیز اصلا وجود نداشته. برای همه مان اتفاق افتاده که از ایراد گرفتن هایمان لذت می بریم. لذتی عمیق و مسرت بخش که اگر فردی مشاهده مان کند، خوشحالیمان را معلول یافتن گنجی گران بها می پندارد.

اصلا ایراد گرفتن از فعالیت های بی پایه و اساس مردم، جزء زندگی روزمره ما شده است و اگر روزی این اتفاق را رقم نزنیم، همچون زاهدی هستیم که بخاطر تاخیر در ادای فریضه اش مغموم و نالان است. هرچند برخی مان از جهل مرکب متنعم هستیم و این امر مسرت بخش را ندانسته و ناخواسته بر دفتر عادات روزمره خود نگاشته ایم، اما برخی دیگرمان، با الگو گیری از متاخرین این واقعه مهم، زبان به توجیه گشوده و حکم واجب الایراد به اطرافمان می دهیم؛ چرا که از باب نهی از منکر، جلوگیری از امر اشتباه و وظیفه ای محول شده از جانب پروردگار است، گویی که دیگر هیچ منکری جز این نیست و جز این نخواهد بود.

به طور مثال برخی مان در دوران طلبگی و در سطوح مقدماتی تحصیل، وقتی پیش کسوت ادبیات عرب شده ایم، با تسلطی که بر بلاغت کلام و ادای صحیح هجای کلمات در رساندن معنا داریم، از کوچک ترین اشتباهات ادای کلام اطرافیانمان گذشت نمی کنیم و ساعت ها مباحثه را صرف ایراد گیری از طلابی هستیم که در سالهای اولیه با صرف کلمات دست و پنجه نرم می کنند. البته که همین صرف کلمات، که به نظر ما ساده ترین کار دنیا است، برای ایشان بعد از کار در معدن، سخت ترین کار هاست.

با همه این تفاسیر و با تمامی خوب و بد های این عادت که حتما ناخواسته و تحت تاثیر آموزش های سوء در ما ایجاد شده است، آنچه مذموم تر می باشد، داشتن همین ایرادات در خودمان است. آنجاست که وصله های مختلفی همچون عالم بی عمل و . . . بر پیشانی ما نهاده می شود. همیشه تاریخ، معلم خوبی برای تلمذ و فراگیری تجربیات مختلف و متنوع است. و می توان گفت این عادت، در گذشتگان نیز به وفور مشاهده شده است که در پی آن ضرب المثل های مختلفی همچون «تو اگر بیل زنی باغچه خودت را بیل بزنی» و غیره، بر سر زبان ها افتاده است.

یکی از مهمترین مسائلی که همواره دچار آن هستم، همین ایراد گرفتن های بی جا از افراد مختلف است، در حالی که خودمان نمونه بارز آن صفت هستیم. در دنیای طلبگی، ما بعنوان مسئول مسیر زندگی مردم و بعنوان هدایت گر معنوی و دینی دیگران همواره در آموزه ها و خطابه هایمان، از روشنی راه و ترسیم مسیر آینده خود، برای دیگران زبان به نطق گشوده ایم و به این امر بسیار اهتمام ورزیده که مردم را از گزند بی خبری از آینده دور کنیم و به امید ساختن تمدنی اسلامی، زمینه ساز ظهور امام عصر گردیده و زندگی ای سرشار از شادی و شمع و خوشبختی را برای خود رقم بزنیم. و همه این اتفاقات با برنامه ریزی برای آینده و روشنی مسیر رو به جلو در شرف وقوع است.

همچنین است تمامی آموزه های اسلام، که خبر از آینده و روشنی مسیر برای فرد می دهد و داشتن هدف مشخص و ملموس را جزو ضروریات می داند. همچون تربیت فرزند، ازدواج مناسب، کسب روزی حلال و

حال سوال اصلی نگارنده این است؛ چگونه امکان دارد فردی، با همت عالی و با انرژی فراوان، مردم را به آینده نگری و برنامه برای آینده فرا می خواند و از انجام عمل بدون برنامه، نهی می کند و خود بعنوان پرچم دار این مسیر که منتهی به حکومت جهانی صلح می گردد، قدم بر می دارد، اما در برنامه خودش، هیچ اثری از اهداف و مسیر روشن شخصی اش نیست؟!

چگونه می شود فردی را تصور کرد که همگان را دعوت به تبیین مسیر آینده می کند، اما خودش نه تنها در مسیر زندگی، بلکه در مسیر تحصیل خود، عنان خود را به دست عوامل خارجی سپرده است تا ببیند آنچه پیش خواهد آمد، خوش است یا خیر؟

آیا می شود به چنین فردی در پذیرش آموزه های دینی اعتماد نمود؟ آیا این، همان مصداق عامل بی عمل نیست؟

چگونه است که ما بعنوان طلبه، از مسیر تحصیلی و آینده خود بی خبریم؟ آیا وظیفه دیگران است تا برای ما تعیین مسیر کنند یا اینکه خودمان بایست در این دنیای پر پیچ و خم، به فکر خودمان باشیم؟ اصلا آیا می شود بدون داشتن برنامه و هدف، دیگران را تبلیغ به آن کرد؟ آیا فاقد شیء، خود، معطی شیء می باشد؟؟ فتامل!

پاسخ این سوالات را نه در اینجا، بلکه در ذهن خود مرور کرده و هرچه سریع تر به دنبال تعیین مسیر آینده خود باشید.

قطعا قدم نهادن در مسیر خدمت به عبادالله، امری مقدس و در عین حال دشوار است، اما دیدگاه روشن و فکر سالم، این دشواری را کاهش می دهد و ترسیم چشم انداز فردی، باعث افزایش انگیزه و قدرت، برای خدمت خالصانه به خلق الله می گردد.

در قسمت های بعدی درباره چگونگی ترسیم و تعیین مسیر طلبگی صحبت خواهیم کرد.